

هردِ سنجاب بردوش

علی‌الله سلیمی | عصرها وقتی مرد از محل کارش به خانه برمی‌گشت، اول سنجاب را صدا می‌کرد که تنها موجود زنده خانه در غیاب او بود. سنجاب کوچک در هر گوشه‌ای که بود، به محض شنیدن صدای مرد به سمت او می‌دوید و از پاهای او بالا می‌رفت و خود را به شانه مرد می‌رساند و صداهای نامفهومی از خود درمی‌آورد. مرد هم برای او حرف می‌زد؛ از همکارهایش در اداره می‌گفت و اتفاق‌های ریز و درشتی که هنگام رفت و برگشت به اداره دیده یا شنیده بود. لفظاتی به این منوال می‌گذشت تا مرد سنجاب را از روی دوش خود بر می‌گرفت و روی زمین می‌گذاشت. به حمام می‌رفت. دوش می‌گرفت و بعد لباس‌های مخصوص گشت و گذار، عصرگاهی در تنها خیابان نسبتاً شلوغ شهر را می‌پوشید. دستی به موهایش می‌کشید و سنجاب را برمی‌داشت روی شانه‌اش می‌گذاشت و به خیابان می‌رفت. رهگذران با دیدن مرد و سنجاب روی شانه‌اش، آنها را به همدیگر نشان می‌دادند و مرد هم از دیدن کنجکاوای رهگذران خوشحال می‌شد. سال‌ها بعد، وقتی سنجاب مُرد، برای مدت طولانی گشت و گذارهای عصرگاهی مرد هم فراموش شد. تا اینکه یک روز بدون سنجاب به خیابان رفت. کسی حواسش به او نبود. دلش گرفت و به خانه برگشت.



سر خود به نادانی شکت

یکی از بندگان عمرولیت گریخته بود. کسان در عقیب برفتند و باز آوردند. وزیر را با وی غرضی بود و اشارت به کشتن فرمود تا دگر بندگان چنین فعل روا ندارند. بنده پیش عمرو سر بر زمین نهاد و گفت: هر چه رود بر سرم چون تو پسندی رواست/ بنده چه دعوی کند؟ حکم، خداوند راست. اما به موجب آنکه پرورده نعمت این خاندانم، بخواهم که در قیامت به خون من گرفتار ایی. اجازت فرمای تا وزیر را بکشم آنکه به قصاص او بفرمای خون مرا ریختن تا بحق کشته باشی. ملک را خنده گرفت. وزیر را گفت چه مصلحت می‌بینی؟ گفت: ای خداوند جهان! از بهر خدای این شوخ‌دیده (چشم دریده) را به صدقات گور پدر آزاد کن تا مرا در بلایی نیفتد. گناه از من است و قول حکیمان معتبر که گفته‌اند: چون کردی با کلوخ انداز پیکار سر خود را به نادانی شکستی چون تیر انداختی روی دشمن چنین دان کاندرا ماجبی نشستی گلستان سعدی



برنامه‌های هفته جهانی فضا در مراکز کانون

برنامه‌های هفته جهانی فضا ۱۴۰۴ با شعار «زندگی در فضا» تا ۱۸ مهر به همت کانون علوم و فناوری‌های نوین ایران و با همکاری سازمان فضایی ایران در مراکز کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سراسر کشور برگزار می‌شود. این رویداد فرصتی برای آشنایی با دستاوردهای علمی و فناوری‌های نوین فضایی است.



دارودسته چوپنگان طلا

ایستادن مقابل اشغالگران

فیلم «دارودسته چوپنگان طلا» پینددگان را به روزهای پایانی جنگ جهانی دوم در جنوب تایلند می‌برد. این اثر، ترکیبی از اکشن، کمدی، درام تاریخی و وسترن است و داستان یک شخصیت قدح‌رمان به‌نام «کو-واه» تانگسونگ را روایت می‌کند که راه‌زنی شبیه رابین هوداست و گروهی از دارودسته وفادارش او را همراهی می‌کنند. ماجراهای این فیلم در قالب مأموریتی پرخطر برای سرقت قطاری پر از طلا، عناصر اکشن، کمدی، درام و وسترن را به هم می‌آمیزد و تجربه‌ای متفاوت از سینمای تایلند ارائه می‌دهد. در فیلم دارودسته چوپنگان طلا، کو-واه تانگسونگ، رهبری گروهی متنوع شامل جونگ (تفنگدار)، یادا (راهزن) تیر کمان‌دار و میرگبار، دوم (بوکسور ماهر) و مونت (کارشناس مواد منفجره) را بر عهده دارد تا قطار ژاپنی حامل طلا را سرقت کنند. دشمن سابق کو-واه، لوآنگ آرون، خیانت کرده و باعث شده او سال‌ها در زندان باشد و از چومچان جدا شود. همچنین احساس ناگهانی جونگ به دختر آرون، چومین می‌تواند همه برنامه‌ها را به هم بریزد. داستان با تعلیق زیاد و لحظات احساسی ترکیب شده است. از مضامین و نمادهای مطرح در این فیلم، عدالت در برابر ظلم است؛ مأموریت گروه تنها سرقت نیست، بلکه ایستادن در برابر اشغالگران و قدرت دادن به مردم ضعیف است. همچنین مسئله

سخت

			۳			۸
۴				۷	۹	
	۵	۹		۲		
					۴	۶
			۳	۹		
	۷	۴				
			۱		۸	۷
		۳	۶			۲
۵				۸		

متوسط

		۳	۵	۸	۴	
۶			۹	۷		۱
	۱		۳		۲	
					۵	۴
۲	۳		۴			
۹	۷				۱	۸
	۶		۵		۸	
۴		۱	۳		۷	
		۱	۶	۹	۳	

۸	۱	۸	۵	۴	۵	۷
۵	۵	۵	۷	۸	۱	۸
۷	۸	۴	۱	۸	۵	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸

سخت

۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸

یادگارهای دفاع مقدس در موزه ملک



مجموعه‌ای منتخب از تمبرهای یادبود دفاع مقدس، نامه‌ها و پاکت‌نامه‌های رزمندگان در قالب نمایشگاهی در موزه ملی ملک به نمایش درآمده و هر روز جزایم تعطیل، از ساعت ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۱۵، به نشانی تهران، خیابان امام خمینی (ره)، خیابان سی‌تیر، خیابان یارچانی، خیابان ملل متحد پذیرای علاقه‌مندان است.

بخت‌بیدار

جانکاه‌ترین لحظه‌های روح و جسم بشری

همه آنهایی که در اروپای حذافصل سال‌های آغازین دهه ۴۰ تا پایان دهه ۸۰ قرن بیستم زندگی کرده‌اند، زیستن‌شان تجربه عجیب و منحصر به فردی بوده است که شاید بتوان این تجربه را در تاریخ انسان یگانه دانست. تجربه زیسته مردم اروپای شرقی، خاصه مردم کشور چکسلواکی سابق و شهر پراگ، آن هم در فاصله جنگ جهانی دوم تا وقایع بهار پراگ ۱۹۶۸، هنوز که هنوز است روایت لحظه به لحظه‌اش سرشار از شگفتی است. کتاب «بخت بیدادگر: داستان یک زندگی (پراگ ۱۹۶۸-۱۹۴۱)» روایت زندگی اعجاب‌انگیز یکی از شهروندان پراگ، از آن سال‌های پر تلاطم است؛ داستان اشغال‌ها، اردوگاه‌های نازی، سال‌های پس از جنگ و دیوار برلین، بهار پراگ، رژه تانک‌ها، سربازان

شوری و شکست جنبش بهار پراگ؛ روایت تلاش انسانی زیر تیغ برای آنکه فقط بتواند زنده بماند. هدا مار گولیوس کووالی در کتابی به نوعی زندگی‌نامه خودنوشت، به اعماق جانکاه‌ترین لحظه‌های روح و جسم بشری نقب زده و بسیاری از باورها، شکل‌نگاه کردن ما به جهان و شیوه برخوردمان با مصایب زندگی را به چالش کشیده است. «بخت بیدادگر: داستان یک زندگی (پراگ ۱۹۶۸-۱۹۴۱)» کتابی است که خواننده‌اش را به دلسوزی فرانمی‌خواند، بلکه با اشتراک گذاشتن ساده و شورانگیز همه هراس‌های سالیان سال زیستن در وحشت، اعماق فجاج حکومتی خودکامه و توتالیتر را روایت می‌کند. هدا مار گولیوس کووالی در این کتاب نشان می‌دهد که چطور جباران، همه

کودک شاد تربیت کنید

کودک‌انی که واقعا شاد هستند و خوب پرورش داده شده‌اند، به‌صورت تقریباً خودکار تبدیل به افرادی موفق خواهند شد. به‌عبارت دیگر، تربیت خوب و سالم، کودک‌انی شاد و قوی می‌سازد که احتمال تبدیل آنها به بزرگسالانی موفق را در طولانی مدت بیشتر خواهد کرد. افراد شاد

به‌طور متوسط در تمام جنبه‌های زندگی از همکاران ناراحت خود موفق‌تر هستند؛ زیرا این شادی باعث می‌شود تلاش بهتر و سازنده‌تری داشته باشند و رویکرد مؤثرتری نسبت به مشکلات زندگی از خود نشان دهند.



دنیا همه را می‌شکند و پس از آن خیلی‌ها در جاهایی که شکسته‌اند، قوی می‌شوند. اما دنیا کسانی را که نشکند، می‌کشد. بهترین‌ها، نجیب‌ترین‌ها و شجاع‌ترین‌ها را با بی‌تفاوتی می‌کشد. اگر تو جزو آنها نباشی مطمئن باش که تو راهم می‌کشد؛ فقط چندان عجله‌ای ندارد.

وداع با اسلحه، ارنست همینگوی، ترجمه: نازی عظیمیا

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	*
															۱
															۲
															۳
															۴
															۵
															۶
															۷
															۸
															۹
															۱۰
															۱۱
															۱۲
															۱۳
															۱۴
															۱۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	*
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵
۵	۵	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵	۸	۱	۸	۷	۵

جدول شماره ۹۹۹۹

۱۱- نمو- فیلمی ساخته استیون اسپیلبرگ- الکتریکی
۱۲- شهر مدفن پروین اعتصامی- دلفریب- اداره آگاهی در قدیم
۱۳- گوشه‌ای در دستگاه ماهور- به وعده خود وفا نمی‌کند- باز را خنثی می‌کند
۱۴- غذایی از گوشت قیقه شده و سیب زمینی خامه- نت سوم
۱۵- از امراض چشمی- پراکنده- سرفره‌نشین

جدول ۹۵۰۰

افقی:
۱- کمک- تاریخ‌نگار- چشم و همچشمی
۲- غریبه نیست- بنیانگذار- اسلحه‌سامورایی
۳- دیوار- هریک از آپارتمان‌های یک‌ساختمان- شرط دوستی
۴- از ملات‌های قدیمی ایران- نوعی خاک- پهنآور
۵- تیر پیکاندار- باور- گوجه‌فرنگی- زهر
۶- صداقت عامیانه- نوعی بیماری که بر میزان قند خون تأثیر می‌گذارد
۷- هجران- فراق- سمت چپ- افراطی
۸- چشم دوربین عکاسی- از سبک‌های ادبی فارسی- وعده
۹- خطوط سایه روشن- سبزوآر قدیم- کشور آفریقایی در همسایگی غنا
۱۰- بیش از اندازه- حالتی از روشنایی چراغ جلو خودرو
۱۱- شره‌ای خونخوار- چلیپا- مرکز شهرستان تنگستان- طوطی
۱۲- چاک- سنگی زنبتی- چهره
۱۳- پرشمارترین جانور اهلی در جهان- بسیار بخشنده- کتاب ثبت رکوردهای جهانی
۱۴- رنجش و آزردگی- مهربان- اشاره
۱۵- آب‌ورز- پیشوا- دینداری
عمودی:
۱- ینگه دنیایی- بسیار شکمو- دعوا و ستیزه
۲- غذای رقیق- کنایه از بی‌اعتنایی نشان دادن است
۳- از رده- از انواع عکاسی خبری- گمراه کردن
۴- آموختن- وصف‌کننده- جوی خون
۵- ذهن افکندن- چاشنی غذایی تند- خطی در دایره
۶- گذرگاه- آسان- هیزم
۷- تکرار حرفی- داشتن هر نوع رابطه و نسبت- داداش
۸- راه یافتن به داخل چیزی- قلب قران- دارای میلان
۹- زیان- اسب تندرو- چاه عمیق
۱۰- ستایشگر- مدال نایب‌قهرمان- قبر